

نمایشگاه طراحی و چیدمان با عنوان حریم دوار

24 مرداد 1395

در این نمایشگاه ۲۰ اثر چیدمان و ۲۰ طراحی به نمایش گذاشته شده.



شما هنر دوستان عزیز می توانید برای تماشای این آثار نه گالری طراحان آزاد واقع در میدان فاطمی میدان گلها، میدان سلماس، شماره 5 از تاریخ 22 تا 27 مرداد ماه در ساعات 16 الی 20 مراجعه نمایید .

[Forwarded from Hossein Tadi]

حریم دوار

پرسش، نقد و جست‌وجو حفر گودال‌هایی است در واقعیت موجود و تهی‌کردن چیزها از معانی، استعاره‌ها و دلالت‌های فعلی آن به قصد یافتن تعابیر تازه. روند تخریب به‌عنوان یکی از کنش‌های دیرپای تولید آثار هنری، در هنر معاصر به شکل ویرانگری ساختار مادی اثر به‌مثابه نمادی از ساختارهای تحمیلی اجتماعی با انواع فرم‌های رادیکال اعتراضی درآمد. اگر آثار حجم در فرم‌های کلاسیک‌تر خود از فعل و انفعال میان سوژگی هنرمند با متریال، از طریق زدودن و تخریب شکل می‌گرفت، در هنر معاصر همین روند به شکل نوعی کنش سیاسی و اجتماعی در برابر انبوه ساختارهای اجتماعی درمی‌آید. مهديه ابوالحسن اما آثار خود را با بهره‌گیری از قدرت خلاقه تخریب و در فضایی مابین کنشگری رادیکال و خویش‌داری و خوینسردی آثار مفهومی خلق می‌کند. کلیت خودساخته هنرمند یعنی حجم متراکم و چندلایه متریال، این‌جا به طرز کنترل‌شده مورد حمله قرار می‌گیرد، فعلی که نه‌چندان خود ویرانگر بلکه بیشتر خودانتقادی است: دخل و تصرف در آنچه خود ساخته‌ایم برای خلق چیزی

تازه، نسبی منتقدانه و شکاک با ساختار اولیه دارد.

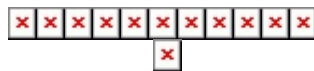
در مجموعه اخیر از دل این کنش انتقادی فرم‌هایی اندام‌وار با دلالت‌هایی روشن به جنس زن شکل می‌گیرند. این همان عملی است که اندیشمند، روشنفکر، فمینیست و فیلسوف در برخورد با ساختارهای از پیش موجود و برساخته‌های اجتماعی در پیش می‌گیرد: پرسش از واقعیت‌های موجود برای خلق تنش و تزلزل در آن‌ها. عنصر زنانه در این آثار اما همزمان حاصل مداخله و دخل و تصرف در متریا از بیرون و انقیاد فرم، برای اعلام استقلال از چارچوب اصلی، از درون است. زواید لبه حفره‌ها در برخی حجم‌ها گویی لحظاتی پس از یک انفجار درونی و یک آتشفشان را تداعی می‌کنند، از این رو این اندام‌واره‌های نمادین و میان تهی همان‌قدر گیرنده‌اند که دهنده و خصلت‌های کلیشه‌ای که جنسیت و در نتیجه هویت جنسی زن را مبتنی بر ویژگی‌هایی هم‌چون پذیرش، تهی‌بودن، غیاب و فقدان عنصر قضیبی مردانه معرفی می‌کنند، از این طریق خصلتی دوگانه را به نمایش می‌گذارند. عنصر مونث این‌جا در قالب حفره‌ای ظاهر می‌شود که گویا دقایقی پیش چیزی را از درون خود به جهان پرتاب کرده (استعاره‌ای هم‌چون زایش) و اکنون برای جست‌وجو و تأمل در ماهیت پیچیده و چندلایه خود، به درون دعوت می‌کند؛ جایی که نگرستن به خویش با کندوکاو در اثر از طریق عنصر آینه پیوند می‌خورد.

در این مجموعه ماهیت خطی برآمده از تعدد لایه‌های مادی اثر پس از فعل تخریب، منجر به خلق عنصر زنانه در قالب فرم‌های دوار متحدالمرکزی می‌شود که مانند فرم‌های طبیعی هم‌چون تنه درختان، خصایصی هم‌چون دیربندی و دیرپایی را تداعی می‌کنند. فرای روابلی که به طور سنتی میان زن و عناصر طبیعی هم‌چون سرزمین، خاک و خورشید برپاشده، دلالت‌های آثار به فرم‌ها و رفتارهای طبیعت این‌جا باز در جهت نقض ساختارهای کهن و به اصطلاح طبیعی به حرکت درمی‌آید. در طراحی‌ها فرم‌های ارگانیک به اشکالی اعوجاج‌یافته بدل می‌شوند. طبیعت‌زدایی از طبیعت نه به جهت خلق طبیعتی تازه و حفر گودالی در واقعیت، نه از برای پرکردن آن با واقعیتی دیگر، بلکه خلق مجرای است برای جریان‌یافتن سیاله‌ای از تعابیر متکثر و ناپایدار؛ درست مانند مجرای که آینه انتهای آن چهره‌های گوناگونی را بازتاب می‌دهد. این تنها وجهی از ماجرای این آثار و سایر آثاری است که استعاره‌هایی از مفاهیمی هم‌چون جنسیت و... را موضوع قرار می‌دهند. در وجهی دیگر برخورد با متریا و خلق هنرمندانه، نه بهانه‌ای برای صحبت درباره چیزی دیگر بیرون از اثر هنری هم‌چون «زنانگی» است، بلکه روند مواجهه هنرمند با کارماده و کنشگری او در مواجهه با آن است که خود بخشی از دلالت‌های اثر در رابطه با مضامین جهان بیرون و نیز درباره تعریف هنر به طور کل را شکل می‌دهد.

هنرمند این‌جا به خوبی میان این دو وجه در رفت‌وآمد است: نمایش تحت‌اللفظی و استعاری یک نماد این‌جا جای خود را به روندی می‌دهد که طی آن نمادها ساخته و سپس نقد و واکاوی می‌شوند. بدون تردید هر اثر و مجموعه‌ی هنری در تداوم زنجیره‌ای از آثار، سبک‌ها و موضوعات مشابه خود می‌ایستد و بخشی از دلالت‌های معنایی خود را در شباهت‌های خانوادگی‌اش با آثار مرتبط به دست می‌آورد. برای این مجموعه نیز اسلاف گوناگونی می‌توان پیدا کرد و آن را با آثار بسیاری در حال گفت‌وگو دید: از گل‌های جورجیا اوکیف تا مهمانی شام جودی شیکاگو و از سیلووتای آنا مندیه تا حجم‌های هانا وایک و انبوهی از بادی‌آرت‌های معاصر و پرتره‌های نود از دوران کلاسیک تا کنون، آنچه اهمیت دارد اما نحوه تکامل اثر به شکل ساختاری معاصر و تداوم این مسیر تاریخی به سوی اذعان سوژگی زن و تکامل هنر به طور کلی است. سوژگی زن در قالب آثاری که نه صرفاً نمایش کنشی آوانگارد بلکه کنشی فکورانه در مواجهه با کارماده و موضوع باشند. نقادی هنرمند در قبال تاریخ، متریا و هستی خود ضرورتی است که با تسلط بر تکنیک و اندیشه‌ورزی پیوندهای ضروری دارد و علی‌رغم فاصله‌گری از کنش‌های احساساتی، هیجانی و رادیکال از نیروی فاعلانه آن‌ها برای اعمال اندیشه بهره می‌برد.

مهسا فرهادی‌کیا

تیرماه 1395



طراح پوستر: رضا عابدینی